

## شهید اسکندر جعفری



نام پدر	حسین
تاریخ تولد	۱۳۳۹/۱۲/۲۷
محل تولد	بوشهر – تنگستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۱/۰۱
محل شهادت	شلمچه
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	جهادگر
تحصیلات	بی سواد
مدفن	انبارک

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید اسکندر جعفری در سال ۱۳۳۹ در خانواده‌ای فقیر از نظر مالی، غنی و پر بار از نظر علم و آگاهی مذهبی در روستای انبارک متولد شد براستی سر مشق دوستان و الگوی سازنده برای آنها شد و چنان متدین به دین مبین اسلام بود که زبان زد خاص و عام شده بود. ایشان در سن ۸ سالگی به دوستان درس می‌آموخت هر چند به علت مسائل و مشکلات مالی نتوانست به مدرسه برود ولی با ضمیری روشن و آگاه و بینش قوی که در او بود در درس با اراده بود. هر لحظه از زندگی شهید درس بود پس از خدمت مقدس سربازی که در پایگاه هوایی بوشهر برای دوستان سرباز الگوی یک سرباز با تقوی بود با خدمت در جهاد سازندگی تنگستان و با اعزام به جبهه نبرد حق علیه باطل برای آزادی میهن اسلامی و دفاع از اسلام عزیز و انقلاب مقدس اسلامی به میادین نبرد شتافت در عملیات بیت المقدس که آزادی خرمشهر را به دنبال داشت مردانه شرکت کرد و با شجاعت زیاد به اسارت بعثیون در آمد با ارسال نامه به خانواده محترم خود از دعاها و کمیل و توسل و نمازهای نیمه شب و ایستادگی در برابر بعثیون و چگونگی شکنجه‌ها نقل می‌کند. و سرانجام در سال ۱۳۶۶ بر اثر شدت شکنجه شربت شهادت می‌نوشد. یادش گرامی و نامش جاوید و راهش پر رهرو باد

نمونه ای از نامه های شهید به خانواده اش در هنگام اسارت در زندان عراق :

پدر بزرگوارم (منظور امام خمینی (ره) رهبر انقلاب است )

برادرانم حسین، علی و اکبر سلام می‌رسانم.

تازه فهمیدم که بر امام موسی کاظم در زندان چه می‌گذشت .

اینجا اگر یک (ق) از ما بگیرند ما را پنج تا ده روز به کلاس (زندان) می‌فرستند و همچنین با تاپول چوب نخل خرما به ما خدمت می‌کنند. (منظور از ق، قرآن است)

## وصیت نامه

وصیت نامه شهید

ان الله الشتری من المومنین رجال باموالهم و انفسهم بان لهم الجنة و یقاتلون فی سبیل الله و یقتلون و یقتلون .

«قرآن کریم»

با درود فراوان به رهبر عزیز و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و با سلام بر شهیدان و رزمندگان و ملت قهرمان ایران، اینجانب اسکندر جعفری با آگاهی راه خود را انتخاب نموده و برای جهاد فی سبیل الله به جبهه آمده ام تا به هل من ناصر ینصرنی حسین زمان لبیک گفته مسئولیت سنگین خود را نسبت به خدا و اسلام و انقلاب اسلامی ایران انجام و با نثار خون ناچیز خود خدمت کوچکی به اسلام بنمایم اگر لیاقت این را داشتم که در این جهاد مقدس شهید شدم برای من ناراحت نشوید که این آرزوی همه بندگان خاص خداست، مهربان مادرم در شهادت من خود را هیچ ناراحت نکن از خدا صبر و استقامت برایت مسئلت می دارم و شما برادرانم راه مرا ادامه داده و هرگز امام را فراموش نکنید و شما خواهرانم امید است چون حضرت زینب (س) پیام مرا به همه برسانید و توای همسر مهربانم که لیاقت آنرا داشتی که همسر یک شهید باشی، استقامت را پیشه خود ساز و همچون زنان قهرمان کربلا در مرگ با سعادت من استقامت داشته باش همگی شما را به خدا می سپارم . مرا حلال کنید امام را فراموش نکنید .

اسکندر جعفری

## مصاحبه

مصاحبه با برادر شهید

س- ضمن عرض سلام و خسته نباشید خودتان را معرفی کنید.

اینجانب محمد علی جعفری برادر شهید اسکندر جعفری ساکن روستای انبارک هستم.

س-در مورد ایشان هر چه می دانید بگوئید.

ج-اولا این شهید در خانواده فقیر و مذهبی متولد شد با توجه به فقری خانواده، من و برادرم اسکندر کارگری می کردیم جهت اینکه معاش خود و خانواده را تهیه کنیم در جهاد اهرم با مشقت و تلاش کار می کردیم یک بار در ایام جنگ همه جوانان از همه روستاها به جبهه می رفتند قصد جبهه کرد در آن روز که به کار نیامد من ناراحت شدم گفتم: چه شده؟ بعد از مدتی خبر اسارت ایشان را به خانه آوردند. اخلاق و رفتار ایشان هر چه از آن بگویم کم گفته ام نماز اول وقت، شرکت در تمام مراسم مذهبی، تمام مردم را به صلح و صفا دعوت می کرد در مورد درس ایشان می توانم بگویم که سه کلاس بیشتر درس نخوانده بود به علت فقر مالی نتوانست درس را ادامه دهد.

س- از صفات دیگر ایشان بگوئید.

ج-ایشان به ورزش اهمیت می داد. جوانان را به ورزش در تیم فوتبال شاهین انبارک دعوت می کرد در حین بازی فوتبال جوانان روستا را به تقوی دعوت می کرد. هرگز نگذاشت افراد خانواده و دوستان غیبت کنند. همیشه با دوستان در مراسم سینه زنی ماه محرم شرکت می کرد. هر گاه راهپیمایی بود در آن شرکت می کرد.

س- در تشییع پیکر پاک شهید چه احساسی داشتید؟

ج- هنگامی که شهید تشییع شد استقبال مردم از شهید خیلی گسترده بود زیرا این سفر کرده چندین سال از وطن دور بوده بسیجیان دریا دل و پاک، خواهران و برادران شهید پرور از تمامی نقاط استان روح شهید را شاد کردند. در مراسم ختم مردم همکاری لازم را کردند روح شهید را زنده کردند و احساس من که برادرم شهید شده این است که این امانت خدا بود که نزد صاحب اصلی اش رفت. روحش شاد و راهش مستدام باد

مصاحبه با همسر شهید

س- ضمن عرض سلام خواهمشتمندم خودتان را معرفی کنید.

ج- اینجانب فاطمه زنده بودی همسر شهید اسکندر جعفری.

س-در مورد ایشان هر چه می دانید بگوئید.

ج- اینجانب در طی این دو ماه که با شهید بودم هیچ گونه ناراحتی از او ندیدم. ثمره ازدواج دوماهه ما یک فرزند به نام عبدالرحیم می باشد چندین سال بعد از شهادت اسکندر نزد خانواده پدرم زندگی کردم پسر م که به سن ۸ سالگی رسید مجددا با برادرش محمد علی جعفری ازدواج کردم که ثمره آن یک دختر می باشد. احترام، متانت، صبر و بردباری صله رحم از جمله خصوصیات خوب اخلاقی شهید می باشد.

س- چه خاطره ای از ایشان دارید .

ج- در طول دو ماه که مدت کمی می باشد که در خانه ایشان بودم او همیشه به نماز و قرآن علاقه وافر نشان می داد با اقوام دوست بود و خدا گونه رفتار می کرد .

س- در مورد علاقه مندی ایشان به معنویات و مسائل مذهبی توضیح دهید.

ج- علاقه مندی ایشان به نماز و دعا سر آمد همه جوانان روستا بود هیچ کسی را ناراحت نکرده بود در تمام مراسم اسلامی مثل سینه زنی ماه محرم، دعای کمیل ،راهپیمایی ها ، مقابله قرآن و ... شرکت می کردند

س- در هنگام تشییع شهید بزرگوار چه احساسی داشتید ؟

ج- با توجه به هشت سال که ایشان در اسارت در زندانهای مخوف بعثی بود امید داشتم که ایشان همواره با دیگر اسیران برگردد که سرنوشت آن چیز دیگری بود . شهادت افتخار ایشان گردید و دل ما را هم شاد کرد مردم با جان و دل در تشییع و ختم شهید شرکت کردند و از جان و دل مایه گذاشتند در آن هنگام باری از دوش من برداشتند که دست آنان درد نکند.

چکیده ای درباره فرزند شهید

نام و نام خانوادگی : عبدالرحیم جعفری

نام پدر : اسکندر

نام مادر: فاطمه

تاریخ تولد: ۱۳۵۹

مدرک تحصیلی: دبیرستان

متاهل دارای همسر

ورزش مورد علاقه فوتبال

گزیده ای از سخنان فرزند شهید

اینجانب عبدالرحیم جعفری فرزند شهید اسکندر جعفری .

من در کلاس سوم دبیرستان درس می خوانم و ۲۲ سال سن دارم تنها آرزویم این بود که حتی برای یکبار که شده با زبان کودکی به بابایم بگویم بابا. در طول این مدت مادرم در حق من هم مادری و هم پدری کرده است بنیاد شهید بعد از خدای متعال یک پدر بزرگ خوبی برای من بود و نیازهایم را بر طرف کرده است. دست رهبر انقلاب درد نکند که به فکر خانواده شهدا هست خدا عمرش را زیاد کند .

والسلام

عبدالرحیم جعفری

## خاطرات

شعر در وصف شهید

دیدم که بوشهری به خون خود چه ها کرد

قصد سفر از جبهه ها تا کربلا کرد

هر مشت این خاک خدا احساس دارد

بوی حسین و اکبر و عباس دارد

اینجا زمین لاله های انقلاب است

اینجا زمین بوگردنش عین ثواب است

اینجا هزاران بلبل شاداب بودند

بهر حسین و کربلا اصحاب بودند

بوکن بین بوی خمینی خاک دارد

بوی شهیدان حسینی خاک دارد

بوکن زمین را بوی مردان تنگستان

بوی هزاران لاله استان شیران

(برگرفته از ماهنامه تربیت، شاعر: طاهره پورعباسی ☐ با اندکی تصرف)



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران